

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۳، پیاپی ۱۴۳، بهار ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۱۴۹-۱۲۹

رواداری سوداگرانه؛ بررسی تأثیر روحیه تاجرمانانه سغدی‌ها در انتشار دین‌های گوناگون در آسیای میانه و چین^۱

علی‌بابایی درمنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

چکیده

با رونق گرفتن جاده ابریشم، از سده نخست میلادی، سغدی‌ها که سرزمینشان در آسیای میانه بر سر راه این جاده تجاری قرار داشت، به تجارت رو آوردند و قومی سوداگر شدند که برای تجارت به سرزمین‌های دیگر سفر می‌کردند. سغدی‌ها که پیش از آن دین مزدیسنا را پذیرفته بودند، از طریق تجارت با مردمان دیگر، با دین‌ها و عقاید گوناگونی چون دین مانئی، بودا، مزدک و مسیحیت نسطوری آشنا شدند. برخی از سغدی‌ها به آن دین‌ها گرویدند و مبلغ آن دین‌ها شدند. از دیگر سو، جدا از اینکه سغدی‌ها در سرزمین‌شان با دین‌های گوناگونی برخورد داشتند و کوشش می‌کردند که اصول عقاید آنها را دریابند، مصالح تجاری و سیاسی‌شان سبب شد تا در قلمرو آنها این دین‌ها آزادانه در کنار یکدیگر و بدون هیچ مناقشه مذهبی تبلیغ و ترویج شوند، پدیده‌ای که می‌توان از آن با عنوان «رواداری سوداگرانه» یاد کرد. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع باستانی، پژوهش‌های نوین و همچنین کاوش‌های باستان‌شناسی وجوه گوناگون این رواداری سوداگرانه بررسی شد. این پدیده در هیچ دوره تاریخی و جغرافیایی دیگری تا دوران معاصر که ملت‌های گوناگون با دین‌های متفاوت در کنار یکدیگر زیسته‌اند، دیده نشده است و به نتایج بدیعی چون «ایجاد یگانگی میان دین‌ها» در سغد در میانه سده‌های ششم تا هشتم میلادی انجامید، بر اساس این تفکر سغدی‌ها کوشیدند تا میان دین‌های گوناگونی که در قلمرو خود یا مهاجرنشین‌هایشان رواج داشت، سازگاری ایجاد کنند.

واژه‌های کلیدی: دین بودا، دین مانئی، سغد، آسیای میانه، مزدیسنا.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2022.37083.2504

۲. استادیار بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران، ایران: ababae@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از منابع تاریخی و جغرافیایی سده چهارم هجری، *حدودالعالم* (۱۳۶۲: ۱۰۷) سغدی‌ها را مردمی «نرم‌دین‌دار» توصیف می‌کند. برخی این واژه را نرم و دین‌دار خوانده‌اند (Minorsky, 1970: 113) که شاید اگر منظور نویسنده هم همین بود، از حرف عطف «و» سود می‌جست. به هر رو خواندن این اصطلاح با سکون میم یا به کسر میم، دو معنی، هرچند با تفاوتی اندک، به ذهن متبادر می‌کند، یکی «روادار» و دیگری «دین‌دار و مسالمت‌جو». شاید بررسی بیشتر درباره سغدی‌ان به درست خواندن این واژه یاری برساند. یکی از ویژگی‌های مهم سغدی‌ان در دوره باستان رواداری آنها نسبت به دین‌های گوناگون بوده و منابع تاریخی از همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان آن دین‌ها در خاک سغد و مهاجرنشین‌های سغدی حکایت دارد. چنین رنگین‌کمان بدیعی که از باورمندان به دین‌های گوناگون در سرزمین‌های سغدی‌نشین از سده نخست تا هشتم میلادی دیده می‌شود، در دوره‌های تاریخی دیگر و جغرافیاهای دیگر تا دوره معاصر کم‌نظیر است. در نتیجه شاید منظور نویسنده *حدودالعالم*، «نرم‌دین» به سکون میم بوده و هم‌معنای واژه «روادار» بوده است. تاکنون پژوهش مستقلی درباره تأثیر پیشه بیشتر سغدی‌ها، یعنی تجارت بر روحیه رواداری دینی آنها انجام نشده است، با این حال در پژوهش فرانتس گرنه^۱ و همچنین پژوهش جودیت لرنر^۲ به خوبی تنوع دینی سغدی‌ها، به‌ویژه در سنگ‌نگاره تابوت ویرکاک^۳ بررسی شده است، اما درباره ارتباط روحیه بازرگانان سغدی با این تنوع دینی سخنی گفته نشده است. در پژوهش اتین دولوسیه^۴ با نام «بازرگانان سغدی»^۵ نیز کم‌وبیش به برخی از پیامدها و اثرهای تجارت سغدی‌ان پرداخته شده است، اما این پژوهشگر نیز تنها اشاره کوتاهی به ارتباط روحیه تاجربانانۀ سغدی‌ها با رواداری دینی داشته است. درباره نقش سغدی‌ها در گسترش دین‌های گوناگون نیز تاکنون آثار زیادی نوشته شده است: فرانتس گرنه درباره مزدیسنا و سغدی‌ها پژوهش‌هایی دیگری^۶ نیز داشته است. مارشاک^۷ و والتینا^۸ پژوهشی درباره بودایی‌ها در سغد دارند^۹ و درباره نستوریان در سغد سیمز ویلیامز پژوهش‌هایی داشته است^{۱۰}. درباره گسترش مانویت در سغد نیز

1. Frantz Grenet, "religious diversity among Sogdian Mmrchants in Sixth Century China: Zoroastrianism, Buddhism, Manichaeism, and Hinduism"

2. Judith Lerner, "believers, prodelytizers, & translators ,religion among the Sogdians"

3. Wirkak

4. Étienne de la Vaissière

5. Sogdian traders

6. "L'art zoroastrien en Sogdiane Etudes d'iconographie funéraire"

7. Marshak

8. Valentina

9. "Buddha icon from Panjikent"

10. Sims-Williams, "Sogdian and Turkish Christians in the Turfan and Tun-huang manuscripts"

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۱۳۱

زوندرمان^۱ پژوهشی^۲ انجام داده است. به هر رو در این پژوهش کوشش بر آن است تا ارتباط میان تجارت، دین‌داری و رواداری دینی سغدیان با موشکافی بیشتر بررسی شود و پیش از آن بهتر است به جغرافیا و تاریخ سغد پرداخته شود.

سرزمین سغد

سغد در زبان در اوستایی متأخر سوغد^۳ (Bartholomae, 1907:1582) در زبان پارسی باستان، سوگودا^۴ (Kent, 1989:117,136,137,141,143) در کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت، سوگد^۵ (Back, 1978: 288) ضبط شده است. همچنین واژه سغد در یونانی، سوگدینه^۶، در سغدی، به صورت سوغد/ سغود (دوازده: Gharib, 1995)، در پهلوی، سوریگ^۷، (بندش، ۱۳۹۵: ۷۵؛ پانوش ۱۵: ۱۷۴)، در چینی، سولی^۸ (Great Tang Records on the Western Regions,) و گاهی اوقات به صورت کانگ^۹ (T'ang shu, CCXXI in Chavannes, 1903: 21) آمده است. شاید معنای واژه سغد محل سکونت مردم شهرنشین باشد که برای تمایز آنها از بیابان‌گردان پیرامونشان، این نام بر آنها نهاده شده است (دوازده: Gharib, 1995). در منابع باستانی حدود و ثغور سغد به اختصار ذکر شده و اشاره شده است که ناحیه سغد، به دره‌های حاصلخیز زرافشان، سمرقند و پنجکنت اطلاق می‌شده که از شمال به رود سیحون و از جنوب به رود جیحون محدود بوده است (Strabo, book XI, 11,2؛ مقایسه شود: قریب، ۱۳۷۶: ۲۵۳-۲۵۲) و همچنین از شهر سمرقند (مرکندا^{۱۰}ی) باستانی به عنوان مرکز سغد یاد شده است (Arrian, book III, 30,6). گاهی این جغرافیا گسترش می‌یافت و به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شد که زبان سغدی در آنها رایج بود، یعنی چاچ (تاشکند امروزی و پیرامون آن) و غرب سمیرچه^{۱۱} و اسروشنه^{۱۲} (Marshak/ Negmatov, 1996:233). عمده مدارکی که می‌توان بر مبنای آنها درباره باورهای دینی مردم سغد سخن گفت، از کوه

1. Sudermann
2. "Iranian Manichaean Turfan texts concerning the Turfan region"
3. Suryda
4. Suguda
5. Sugd
6. Sughdiane
7. Sūrig
8. Suli (粟利)
9. K 'ang (康国)
10. Marakanda

۱۱. سمیرچه که امروزه هفت‌آب نامیده می‌شود، در شمال شرق رود سیحون، واقع شده است که از جنوب به کوه‌های تیان‌شان و از شمال به دریاچه بالخاش محدود می‌شود.

۱۲. اسروشنه در جنوب جنوبی‌ترین شاخه رود سیحون و میان خجند و فرغانه قرار داشت.

مغ در نزدیکی شهر پنجکنت در شصت کیلومتری شرق سمرقند و شهر قدیمی افراسیاب در سمرقند در خاک اصلی سغد و همچنین در مهاجرنشین‌های سغدی در غارهای هزاربودا در دون‌هوانگ^۱ واقع در استان گنسو^۲ در شمال چین و همچنین تورفان در استان سین‌کیانگ^۳ در غرب چین به دست آمده است. اسناد و آثار دیگر سغدی نیز در مهاجرنشین‌های دیگر سغدی چون درهٔ چیترال^۴ در شمال پاکستان به دست آمده است. اسناد کوه مغ متعلق به دورهٔ زمامداری یک فرمانروای محلی سغدی در پنجکنت به نام دیواشتیچ^۵ است که هم‌زمان با فتوحات امویان (۱۳۲-۴۱ق)، بر بخشی از سغد حکومت می‌کرد و در ۱۰۴ق اعراب او را دستگیر کردند. این اسناد شامل نامه‌های سیاسی، اداری، تجاری و... هستند. از مجموع ۹۷ سندی که در کوه مغ یافت شده، ۹۲ سند به زبان سغدی، سه سند به زبان چینی، یکی به زبان عربی و دیگری به خط رونی^۶ نوشته شده است. یکی از اسناد چینی به تاریخ ۷۰۶م است و حاکی از آن است که این اسناد احتمالاً در سال‌های اولیهٔ قرن هشتم میلادی نگاشته شده‌اند (Rong Xinjiang, 2018: 88; Marshak/ Negmatov, 1996:256-258; Hansen, 2012:122, 130). قریب، ۱۳۹۲: ۳۳ و ۳۲ و ۲۰).

نامه‌های دون‌هوانگ نیز از اوایل قرن چهارم پس از میلاد مکتوب شده‌اند و از سوی بازرگانان سغدی ساکن در این شهر به دیگر مهاجرنشینان سغدی و شهرهای سغد چون سمرقند نوشته شده‌اند. در این میان، از سندهای یافت شده در غار شمارهٔ هفده به‌عنوان منابع دین‌های مختلف جاده ابریشم یاد شده است. گویا محل سکونت سغدی‌ها در ابتدای سدهٔ هفتم میلادی بیشتر در حاشیهٔ دون‌هوانگ از توابع بخش شاجو^۷ بوده است که نام یکی از این مهاجرنشین‌ها در پانصد متری شرق حصار شهر دون‌هوانگ، سونگ‌هواشیانگ^۸ بوده است. بیشتر ساکنان این مهاجرنشین‌ها دارای نام‌های خانوادگی چون، کانگ، آن، سائو^۹، شی^{۱۱} و می^{۱۲} بودند که مشخص می‌کرد، تبار آنها ریشه در آسیای میانه داشته است. این نام‌های خانوادگی هر یک نمایانگر یکی از شهرهای سرزمین سغد و پیرامون آن بوده است. برای

1. Dunhuang (敦煌)
2. Gansu (甘肃)
3. Xinjiang (新疆)
4. Chitral
5. Divashtich
6. Runes
7. Shazhou (沙州)
8. Conghuaxiang (从化乡)
9. An (安国)
10. Cao (曹国)
11. Shi (石国)
12. Mi (米国)

نمونه، بزرگ‌ترین این شهرها سمرقند که مرکز سغد بود، در زبان چینی به پادشاهی کانگ معروف بود. چینی‌ها همچنین شهر بخارا را «آن»، اسروشنه و همچنین اشتیخن^۱ را سائو، مایمرغ^۲ را «می» و چاچ (تاشکند) را «شی» می‌نامیدند.^۳ حاکمان سونگ‌هواشیانگ نیز نام خانوادگی سائو داشتند که از تبار اشروسنه‌ای یا اشتیخنی آنها حکایت داشت. در سونگ‌هواشیانگ همچنین یک آتشکده زرتشتی بود که سغدیان و چینی‌ها، پیشکش‌هایی به آنجا تقدیم می‌کردند، با این حال کیش بودا نیز در بین سغدی‌ها پیروانی داشت. در آغاز قرن هشتم، ساکنان مستعمره عمدتاً مشغول تجارت بودند و نظارت حاکمان محلی سلسله تانگ^۴ (۶۱۸-۹۰۷م) بر سکونتگاه سونگ‌هواشیانگ تا اواخر سده هشتم میلادی برقرار بود و پس از آن همه آثار آن به جز آتشکده از بین رفتند (Rong Xinjiang, 2013:330-331; Rong Xinjiang, 2001: 148; Hansen, 2012: 181).

در تورفان نیز متونی به ۱۶ گروه زبانی و ۲۵ گونه خطی یافت شده است که متعلق به مبلغان ادیان گوناگون بوده و گستره زمانی از سده چهارم تا چهاردهم میلادی را در بر می‌گیرد. استفاده از زبان‌های گوناگون برای تبلیغ دین‌های مختلف نمایانگر عمق رواداری دینی در میان سغدی‌ها بوده است (Klimkeit, 2000: 79).

مزدیسنا در سغد

به نظر می‌رسد که دین غالب مردم سغد مزدیسنا بوده و برخی از آنها هنگامی که به سبب اشتغال به تجارت به دیگر جاها مسافرت می‌کردند، دین‌های دیگر را پذیرفته و گسترش می‌دادند. با این حال هنینگ (Henning, 1965:250-251) رواج مزدیسنا در سغد و شباهت گاه‌شماری سغدی و زرتشتی را به سبب دستور شهرهای شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۹-۳۳۰ پ.م) دانسته و در نتیجه بر این باور است که نباید سغدی‌ها را باورمند به مزدیسنا دانست و از گونه‌ای کافرکیشی^۵ سغدی یاد می‌کند. با این حال، گزارش‌های تاریخی از باورهای مزدایی سغدیان در سرزمین سغد حکایت دارد. شوان زانگ^۶، راهب و زائر بودایی که در سده هفتم میلادی به سمرقند رفت، گزارش می‌دهد که با اینکه برخی از مردمان آنجا به کیش بودا

۱. اشتیخن، یکی از توابع سغد و در هفت فرسخی شرق سمرقند است.

۲. مایمرغ از توابع بخارا و بر سر راه نخشب و بر ساحل جیحون بوده است.

۳. گفتنی است که در متون چینی، از ساکنان اتحادیه نه دولت شهر سغد که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد، با عنوان «جیوشینگ هو» (Jiuxinghu=九姓胡) یاد شده است.

4. Tang dynasty (唐朝)

5. Paganism

6. Xuan Zang (玄奘= Hsuan-tsang/ Xuan Tsang)

گرویده بودند، بیشتر مردمان سمرقند «آتش پرست» بودند (Xuan zang in Wriggins, 1996: 38-39).

منابع مکتوب ایرانی و اسلامی نیز علاوه بر کاوش‌های باستان‌شناسی گویای باور مردم سغد به دین مزدیسنا هستند. شهرستان‌های *ایران‌شهر* (بند ۳) از پی افکندن آتشکده در سمرقند به دست کیخسرو کیانی فرزند سیاوش خبر می‌دهد (*شهرستان‌های ایران‌شهر* (متون پهلوی)، ۱۳۷۱: ۶۴؛ Litvinsky and. Vorobyova-Desyatovskaya, 1996:428). همچنین، پس از شکست سغدی‌ها از عرب‌ها، بخشی از قرارداد صلح میان اخشید سغد، غورک، با قتیبه پسر مسلم درباره آسیب نرسانیدن سپاهیان اموی به معابد بودایی (حلیه‌الاصنام) و آتشکده‌های زرتشتی (بیت‌النیران) بوده که قتیبه به عهد خود وفا نکرد (طبری، ۱۳۸۷: ۶ / ۴۷۵؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰۷). ابوریحان بیرونی (۱۳۸۰: ۵۵) نیز سغدی‌ها را «مجوس ماوراءالنهر» می‌نامد و بر این باور است که جشن‌های آنها تفاوت اندکی با جشن‌های ایرانیان زرتشتی دارد. منابع دوره اسلامی همچنین گزارش می‌دهند که جامعه زرتشتی سغد پرش‌های دینی خود را در صدر اسلام از مراکز زرتشتیان ایران می‌پرسیدند (Hormazyar Framarz, 1932: 104-105) این فرضیه غیرمحمتمل است که این روابط تنها در دوره اسلامی آغاز شده باشد. در اوایل دوره اسلامی نیز، نگهداری از نهرهای آب سمرقند و میرابی آنها با زرتشتی‌هایی بود که از مالیات معاف بودند که این گزارش گواه دیرپایی دین مزدایی در سغد حتی پس از تصرف آن به دست عرب‌هاست (اصطخری، ۱۹۲۷: ۳۱۷-۳۱۶).

همچنین دو پرستشگاه در پنجکنت متعلق به سده پنجم کشف شد که چند بار بازسازی شده و در یکی از آنها آتشگاه وجود داشت. شواهدی از قراردادن جسد‌ها به شیوه زرتشتی‌ها در استودانی در آنجا نیز دیده می‌شود. این شیوه تدفین در سمرقند و بخارا در میان سغدی‌ها از سده ششم تا هشتم میلادی دیده شده است (Marshak, Negmatov, 1996:244; Marshak, Hansen, 2012: 123; 5; 2003). استودان‌هایی نیز از سرزمین سغد به دست آمده است که بر روی آنها تصویرهای ایزدان دین مزدیسنا که گویا امشاسپندان این دین هستند، نقش بسته است (Grenet, 2002: 94-96). در نتیجه به نظر می‌رسد که برخلاف نظر هنینگ که پذیرش دین مزدیسنا و گاه‌شماری ایرانی سغدیان را پیامد اجبار دستگاه اداری هخامنشی به سغدی‌ها می‌داند، شواهد تاریخی گویای آن است که نوعی مزدیسنا بومی در سغد رواج داشته است. اما در ارتباط با آثار تاریخی که در بیرون از خاک اصلی سغد به دست آمده شواهد زیادی از رواج دین مزدیسنا در میان مهاجرنشین‌های سغدی وجود دارد. با این حال، ژینیو و لیتوینسکی (Gignoux and Litvinsky, 1996: 409-410) با آنکه با برخی از پژوهش‌های نوین

در چین و آسیای میانه در سال‌های گذشته آشنا بودند، توجه چندانی به رواداری دینی سغدی‌ها و بهره‌گیری آنها از ایزدان بودایی و مانوی نکرده‌اند و به سبب گرویدن برخی از سغدی‌های بیرون از سغد به کیش‌های مانوی و بودایی، به پیروی غالب سغدی‌ها از دین مزدیسنا شک کرده‌اند.

به علاوه، در بیست سال گذشته آثار بیشتری در سکونتگاه‌های سغدی در چین به دست آمده که از رواج گسترده مزدیسنا در میان سغدی‌ها حکایت دارد (Rong Xinjiang, 2001: 157-158). برخی پژوهش‌های نوین که مبتنی بر برخی یافته‌های باستان‌شناسی جدید در چین است، باورمندی سغدی‌ها را به مزدیسنا نشان می‌دهد. این یافته‌ها گویای آن است که از آنجایی که اکثر سغدیانی که در این مهاجرنشین‌ها می‌زیستند، از دین مزدیسنا پیروی می‌کردند. در بیشتر این مهاجرنشین‌ها یک آتشکده زرتشتی بود که چینی‌ها آنجا را شیئن‌سی^۱ می‌نامیدند که ریاست دینی آنجا را شخصی که دارای لقب سَبائو/سابائو^۲، برگرفته از واژه پارسی سرتاپائو^۳ بود، در دست داشت. بر اساس اسناد چینی، آنها از اوایل قرن چهارم میلادی این لقب را به رهبران کاروان‌های تجاری سغدی داده بودند که به تدریج پس از مستقر شدن بازرگانان سغدی در مهاجرنشین‌های چین این لقب به فرماندار این مهاجرنشین‌ها نیز اطلاق شد. سابائوها علاوه بر رهبری سیاسی این مهاجرنشین‌ها، رهبری دینی سغدی‌های باورمند به مزدیسنا را نیز در آنجا در دست داشتند و دین‌مردان زرتشتی زیر نظر آنها به امور دینی و اداره آتشکده‌های سغدی می‌پرداختند. سابائوها از اوایل سده ششم میلادی یعنی احتمالاً در دوره سلسله وی شمالی^۴ (۳۸۶-۵۳۴م) جدا از رهبری جامعه سغدی‌های چین، در ساختار اداری دولت مرکزی یا فرمانروایی‌های محلی چینی نیز به رسمیت شناخته شدند (Xue Li, 1994: 470; Rong Xinjiang, 2018: 85- 86; Leslei, 1983: 280)

شگفت آنکه یکی از زیباترین سنگ‌نگاره باستانی که گوشه‌ای از باورهای مزدیسنا را به نمایش می‌گذارد، از قلب چین، در حومه چانگ‌آن^۵ (شی‌آن^۶ امروزی) از مقبره‌های سغدی به دست آمده است. این سنگ‌نگاره بر روی تابوت شخصی به نام شی جون^۷ (ارباب شی) در آرامگاه معروف به مقبره ویرکاک^۸ نقش بسته بوده است. در کتیبه این آرامگاه آمده است که

1. Xianci (祿祠=hsien tz'u)
2. Sabao (薩保=Sa-pao)
3. Sartapao
4. Northern Wei (北魏)
5. Chang'an (长安)
6. Xi'an (西安)
7. Shi jun (史君)
8. Tomb of Wirkak (Shi Jūn Mù=史君墓)

ویرکاک سابائو بوده است و سه پسرش در سال ۵۷۹م که ویرکاک و همسرش درگذشته‌اند، آن آرامگاه را برای شادی روح آنها ساخته‌اند. در دیوار شرقی تابوت آنها سنگ‌نگاره‌ای حاکی از باورهای مزدایی سغدی‌ها کنده‌کاری شده است که تصویر بسیار دقیقی از پل چینود است و روند رستگاری مؤمنان را نشان می‌دهد (Gerent and others, 2004: 279; Hansen, 2012: 145-146). (تصویر ۱). با بررسی‌های بیشتر پژوهشگران مشخص شد که نقش و نگار تابوت ویرکاک برداشت دقیقی از متن‌های دینی زرتشتی است؛ برای نمونه گذر از پل چینود و رسیدن به قله کوه رستگاری و همچنین وجود گوسفندهای مرغ‌پیکر که در آنجا پرواز می‌کنند در زادسپرم (۳۳: ۵۲، ۵۷) آمده است (وزیدگی‌های زادسپرم، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۷؛ مقایسه شود: Étienne de la Grenet, 2007: 472-474; Hansen, 2012: 144-145, 149; Vaissière, 2019: 69 که بر این باور است که درون‌مایه سنگ‌نگاره تابوت ویرکاک مانوی است، این در حالی است که توضیح نمی‌دهد که چرا برای سنگ مزار یک سابائوی زرتشتی باید درون‌مایه مانوی استفاده کرد. همچنین برخلاف گفته دولاوسیة حضور ویشپرکر^۱ (← ادامه مقاله) که ایزدی زرتشتی است، در این سنگ‌نگاره برهانی برای اثبات مانوی بودن سنگ‌نگاره نیست).

در ۲/۲ کیلومتری غرب مقبره ویرکاک، آرامگاه آن‌جیا^۲ قرار دارد که این مقبره در سال ۲۰۰۱م، یکی از کاوش‌های برتر باستان‌شناسی جهان شناخته شد. مقبره آن‌جیا نیز متعلق به یک سغدی مزدایی است که او نیز سابائو بوده است. تابوت آن‌جیا نیز سنگ‌نگاره‌ای ملامال از درون‌مایه‌های مزدایی است. جدا از این دو آرامگاه، حداقل پنج آتشکده زرتشتی در چانگان وجود داشت که چهار آتشکده در حوالی بازار غربی چانگان بر پا شده بود (Hansen, 2012: 144-145, 149).

شواهد گسترده دیگری که از گورستان‌های سغدی‌ها در چین نیز به دست آمده است، نیز از باور این قوم ایران شرقی به دین مزدیسنا حکایت دارد. محدوده جغرافیایی که سنگ قبرها از آنجا به دست آمده است شامل استان‌های گنسو، شان‌شی^۳، خه‌ئن^۴ و شن‌دونگ^۵ است که عموماً در مسیر تجارت سغدی‌ان به چین قرار داشته و متعلق به اواخر سلسله وی شمالی تا اوایل تانگ (اواخر سده ششم میلادی تا اوایل سده هفتم میلادی) هستند. تصاویر نقش‌بسته بر سنگ قبرهای این گورستان‌ها، نمایانگر درون‌مایه‌های مزدایی است. برخی از یافته‌های

1. Veshparkar
2. An Jia mu (安伽墓)
3. Shanxi (山西= Shansi)
4. Henan (河南)
5. Shandong (山东)

باستان‌شناسی از شیوه تدفین سغدی‌ها نیز در چین نشانگر باورمندی آنها به مزدیسناست برای نمونه، در تورفان سغدی‌های زرتشتی پیکر درگذشتگان خود را رها می‌کردند تا خوراک درندگان شوند، سپس استخوان‌های باقی‌مانده را در یک استودان قرار می‌دادند (Rong Xinjiang, 2018:91, 93; Rong Xinjiang, 2001: 157-158). به هر رو چنان‌که گرنه (2015: 145) اشاره کرده است: «علی‌رغم تفاوت‌های آشکار مزدیسنا در آسیای میانه با مزدیسنا در ایران، جایگاه این دین در آسیای میانه، در تاریخ مزدیسنا کمتر از اهمیت مزدیسنا در ایران نیست که سرانجام در ایران محدود شد و توسط پارسی‌ها به هند منتقل شد. دین زرتشت در آسیای میانه تا آنجا که به تصویرگری مربوط است، مطمئناً خلاقانه‌تر از نوع ایرانی‌اش بوده است».

بازرگانان سغدی

با وجود شواهد بسیاری که درباره باورمندی سغدی‌ها به مزدیسنا وجود دارد، باید دید که چرا پژوهشگرانی چون هنینگ و ژینیو در باورمندی این تیره باستانی به دین مزدیسنا شک می‌کنند. چنان‌که گفته شد، جدا از اینکه این پژوهشگران اطلاعات کافی از کاوش‌های نوین باستان‌شناسی و یافته‌های جدیدی که حاکی از زرتشتی‌بودن سغدی‌ها است، نداشتند، پاسخ دقیق‌تر به این پرسش را باید در پیشه برخی از مردمان سغد یعنی بازرگانی جست‌وجو کرد. نخستین مهاجرت سغدی‌ها به چین، پس از حمله اسکندر مقدونی به ایران صورت پذیرفت و آنها از آغاز رونق گرفتن جاده ابریشم در دوره اشکانی (۲۲۴-۲۴۷ ق.م) تقریباً از سده نخست میلادی، در این جاده فعال بودند (قریب، ۱۳۷۶: ۲۵۴-۲۶۰).

در گزارش‌های مرتبط با فصل شی‌یو^۱ (سرزمین‌های غربی) در «تاریخ تانگ»^۲، سالنامه رسمی سلسله تانگ چنین آمده است که سغدی‌ها بی‌ثبات و مزورند و آنها اغلب در معاملات خود تقلب می‌کنند و دیگران را فریب می‌دهند و فقط به فکر کسب سود هستند و برای کسب سود، پدر و پسر هم به یکدیگر رحم نمی‌کنند (Great Tang Records on the Western Regions, 1996:21). در این گزارش‌ها آمده که سغدی‌ها به هنگام دنیا آوردن پسرانشان غسل را بر دهان او می‌گذارند و چسب را در کف او قرار می‌دهند تا وقتی بزرگ شدند، برای پیشرفت در تجارت، کلمات شیرینی بر زبان بیاورند و سکه‌ها را طوری در دست نگاه دارند، گویی که به آن چسبیده است. آنها در بیست سالگی به خارج از کشور، به هر کجا که سود و منفعت باشد، می‌روند (T'ang shu, CCXXI in Chavannes, 1903: 134-135).

1. Xiyu (西域= Western Regions)

2. T'ang shu (唐书)

سغدی‌ها از سده نخست میلادی شبکه‌ای را تأسیس کرده بودند که از شهرهای بزرگ چین تا ایران و بیزانس امتداد داشت و تا سده هشتم میلادی به تجارت خود ادامه دادند (Payne, 2018: 229). سفر از سمرقند تا مرکز چین که در حدود سه هزار کیلومتر مسافت داشت، حداقل هشت ماه طول می‌کشید، اما از آنجا که ابریشم چین را می‌شد از حوضه رود تاریم^۱ (۵) نیز به دست آورد، برخی از کاروان‌های سغدی کل مسافت تا پایتخت چین را طی نمی‌کردند و ابریشم لازم را از حوضه رود تاریم به دست می‌آوردند که در نتیجه در حدود ۲۴۰۰ کیلومتر راه می‌پیمودند. هر سال دو کاروان از سمرقند راهی چین می‌شد که یکی از مسیر جنوب صحرای تاکلاماکان/تکله‌مکان (مکان هلاکت)^۲ به حوضه رود تاریم و دیگری از مسیر مستقیم در شمال تاکلاماکان به چین می‌رفت. کالاهایی که رد و بدل می‌شد، فلزات گران‌بها، ابریشم، انواع عطر و شکر بود (Mclaughlin, 2016: 145). از دیگر سو، در سده ششم میلادی، بازرگانان سغدی به سبب اختلاف میان شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری گوگ‌ترک‌ها، اجازه ورود به ایران را نداشتند و بازرگانان ایرانی برای تجارت به سمرقند می‌رفتند و سغدی‌ها از آنها کالاهایی مانند ظرف‌های شیشه‌ای، زیورآلات طلا، پنبه نسوز که از آن برای فتیله شمع استفاده می‌شد، خریداری می‌کردند (Baumer, 2008: 160؛ رضا، ۱۳۸۱: ۹۵-۹۴).

سغدی‌ها افزون بر نقشی که در دادوستد کالا در قدیم‌ترین و طویل‌ترین جاده تاریخی جهان داشتند، نقش بزرگی نیز در گسترش فرهنگ و رواج دین‌های گوناگون در دو جهان غرب و شرق و نزدیک کردن آنها به یکدیگر داشتند. در حقیقت سغدی‌ها سازگاری بسیاری در پذیرش دین‌های گوناگون برای پیشبرد مصالح سیاسی و تجاری‌شان داشتند (De la Vaissière, 2005: 248). به تعبیر ریچارد فولتس^۳، سغدیان زنبوران فرهنگی بودند که اندیشه‌ها و سنت‌های یک تمدن را در تمدن‌های دیگر گرده‌افشانی می‌کردند (فولتس، ۱۳۸۵: ۱۷). با اینکه دیده شد بیشتر سغدی‌ها باورمند به دین مزدیسنا بودند، رواداری آنها به دین‌های دیگر شگفت‌انگیز بود. این رواداری که می‌توان از آن با عنوان «رواداری سوداگرانه» یاد کرد، اثر بسیاری در پذیرش و نگاه دوستانه سغدی‌ها به دین‌های دیگر داشت و همچنین سبب شد تا گروهی از آنها به آن دین‌ها بگروند و رنگین‌کمان بدیعی از همزیستی فرهنگی و دینی را در قلمرو اصلی سغد و همچنین در مهاجرنشین‌های سغدی به وجود آورد که همانند آن در دوران باستان وجود

۱. حوضه رود تاریم در منطقه خودگردان اویغوری سین‌کیانگ در غرب جمهوری خلق چین جای گرفته است و از شمال به کوه‌های تیان‌شان Tianshan و از جنوب به کوهستان کون‌لون Kunlun می‌رسد.

۲. Taklamakan صحرای تکله‌مکان در غرب چین، در استان سین‌کیانگ و در حوضه آبریز تاریم و غرب بیابان گبی واقع شده است.

3. Richard Foltz

نداشته است. بخش عمده‌ای از موفقیت سغدی‌ها در تجارت مرهون همین رواداری دینی سغدی‌ها بوده است. رواداری دینی سغدی‌ها به دین‌های جادۀ ابریشم سبب شد تا پژوهشگرانی چون هنینگ و ژینیو در باورمندی آنها به مزدیسنا شک کنند، این در حالی است که با توجه با آثار باستانی کاوش شده و در حال کاوش در امتداد جادۀ ابریشم آشکار شده است که بیشتر سغدی‌ها باورمند به مزدیسنا بوده‌اند. همچنین در سرزمین اصلی سغد، سغدی‌ها، با وجود رواداری به دین‌های دیگر، اقبال کمتری به دین‌های دیگر به غیر از مزدیسنا نشان داده‌اند.

ایجاد یگانگی میان دین‌ها

از دیگر سو، رواداری دینی سغدی‌ها سبب شد تا سغدی‌ها باورمندان به یک دین با دین‌های دیگر نیز آشنا شوند و کوشش کنند تا بین دین‌های گوناگون هماهنگی به وجود آورند، چنان‌که بلنیتسکی^۱ (۱۳۷۱: ۱۷۱) نیز بر این باور است که سغدی‌ها دارای تفکر فلسفی «ایجاد یگانگی میان دین‌ها» بودند. در راستای نگاه «ایجاد یگانگی میان دین‌ها»، در یکی از متن‌های بودایی سغدی به نام وستره جاتکه^۲، (1946: 57-59) خدای برتر زرتشتیان سغد یعنی زروان در هیبت برهما توصیف شده است و همچنین آذبغ (اهورامزدا) در جای ایندرا نشسته است و همچنین ایزد وایو (ویشپرگر) وظایف خدای شیوای بوداییان را بر عهده گرفته است. در متون سغدی زرتشتی نیز نخستین جایگاه در میان ایزدان به زروان اختصاص دارد و او را پادشاه خدایان می‌نامیدند. همچنین از اهورامزدا که برترین ایزد، در دین زرتشت است، به‌ندرت ذکر می‌شود، اما مکرراً از آذبغ^۳ یاد می‌شود که از مقام دوم در سلسله مراتب ایزدان زرتشتیان سغد برخوردار بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که از اهورامزدا (اهورامزدا) نیز در این متون به نام آذبغ یاد شده است. ایزد دیگری که در متون زرتشتیان سغد یاد شده است، وایو (ویشپرگر)، ایزد باد است. همچنین در متون سغدی ایزدان دیگر زرتشتی چون ورثرغنه^۴، خورنه^۵ و هئومه^۶ نیز یاد شده است. اگرچه در بین این خدایان پرستیده شده، خدایان غیر زرتشتی وجود داشت، اما تأثیر دین زرتشت بر بوداییان و مانویان سغدی غیرقابل انکار است. همچنین برخی از پژوهشگران چون لیتوینسکی و دسیاتوفسکایا اهمیت به زروان را در مزدیسنا سغدی‌ها دال بر گرایش‌های ژروانی آنها دانسته‌اند (Litvinsky and Vorobyova- Marshak, Negmatov, 1996:253; Desyatovskaya, 1996:428-429).

1. Belenitski
2. Vessantara Jātaka
3. Āḍḅaḅ
4. Vṛṛaḅna
5. Xvarnah
6. Haoma

یکی دیگر از خدایان محبوب سغدی‌های مزدایی نانا، ایزدی بین‌النهرینی بود. این ایزد در نقاشی‌های پنجکنت، سوار بر روی شتر است یا مجسمه‌ای کوچک از شتر در دست دارد و مورد احترام مسافران قرار می‌گرفت. احترام به این ایزدِ بازرگانان از ماهیت پیشه سغدی‌ان که سوداگری است، نشئت گرفته بود. ایزد دیگری که برای بازرگانان سغدی که تجارتشان بر اساس قول و قرار و پیمان بود، اهمیت داشت، ایزد پیمان‌ها یا ایزد مهر (میترا) بود که در چند سند در کوه مغ سوگند به این ایزد دیده شده است (Hansen, 2012: 124-125, 134؛ مقایسه شود: Baumer, 2008: 174 که ایزدی را که بر شتر نشسته است را ورثرغنه تشخیص داده است). برخی از پژوهشگران معاصر نیز چون فولتز (Foltz, 2013: 25)، ایزدان متنوع سغدی‌ان و حضور برخی از خدایان بیگانه در جمع خدایان سغدی را دلیلی بر مزدیسنا نبودن آنها دانسته و محلی بودن دین مزدایی و تفکر «ایجاد یگانگی میان دین‌ها»ی آنها را درنیافته‌اند.

یکی از دلایل گرویدن برخی از بازرگانان سغدی به کیش بودا که توسط آنان در آسیای میانه تبلیغ می‌شد، برخی از باورهای فرقه بودایی مه‌ایانه^۱ بود که بر مبنای آنها، با ثروت می‌توان به رستگاری آخروی دست پیدا کرد، از دیگر سو گسترش کیش بودا تقاضای بیشتری برای ابریشم به وجود می‌آورد که در مراسم بودایی‌ها استفاده می‌شد، در نتیجه تجارت ابریشم سغدی‌ها و گسترش کیش بودا منفعتی دو جانبه برای بودایی‌ها و سغدی‌ها در بر داشت و کیش بودا در طول جاده ابریشم و در میان بازرگانان توانگر سغدی گسترش پیدا کرد. سغدی‌ان که کیش بودا را در هند آموخته بودند، این کیش را در سغد و سایر مناطقی که برای تجارت بدان جا می‌رفتند، گسترش می‌دادند. سود تجارت آنها به تشکیلات کیش بودا نیز می‌رسید و در عوض نهاد کیش بودا نیز به تجارت آنان کمک می‌کرد (Mclaughlin, 2016: 138-139؛ Foltz, 2013: 24, 27). شوان زانگ مدعی است که تنها دو معبد بودایی در سمرقند وجود داشت که مردم بیگانه به آنجا می‌رفتند و مردم محلی آنها را بیرون می‌کردند، از این‌رو، کیش بودا در سمرقند رونق چندانی نداشته و او این کیش را در سمرقند گسترش داده است، با این حال گزارش یک راهب کره‌ای حاکی از آن است که در سده هشتم میلادی نیز، کیش بودا در سمرقند رواج چندانی نداشته است. به هر رو با وجود رواج اندک کیش بودا در سغد، سغدیانی که در خارج از سرزمین سغد می‌زیستند، این کیش را در چین و آسیای میانه گسترش دادند (Xuan zang in Wriggins, 1996: 38-39؛ نیز ببینید بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۹۴؛ اریک امریک، ۱۳۷۷: ۳۲۳). کوشش مبلغان بودایی سغدی به این سرزمین‌ها محدود نشد و شواهدی در دست است که آیین بودا در سده‌های ششم، هفتم و هشتم میلادی به واسطه سغدی‌ها در

ویتنام، تبت و ژاپن نیز گسترش یافت(ستوده‌نژاد، ۱۳۸۱: ۱۱۶ و ۱۱۳ و ۵۲).

سغدی‌ها همچنین کیش مانی را نیز در چین و آسیای میانه گسترش دادند. در پی سختگیری‌های موبدان زرتشتی بر مانویان در داخل فلات ایران، گروه‌هایی از آنان به سغد مهاجرت و مانویت را در این ناحیه گسترش دادند(Christensen, 1936: 196). بنا بر پژوهش‌های اتین دولوسیه، مانویت در سده پنجم یا ششم به سغد راه یافت. کیش مانی برخلاف کیش بودا که بخت چندانی در سرزمین سغد نداشت و تنها در مهاجرنشین‌های سغدی گسترش یافت، از بخت بهتری در سرزمین سغد برخوردار بود. گسترش این کیش در سغد شاید به سبب شباهت‌های این کیش به دین اصلی سغدی‌ها، مزدیسنا بوده‌است. از دیگر سو، حضور یک گروه مهم مانویان سغدی در دربار چین پس از ۶۹۴م در ترویج مانویت تأثیر به‌سزایی در آسیای میانه داشت. از سال ۷۳۲م به بعد به‌موجب حکمی که از سوی امپراتوری سلسله تانگ صادر شد، مانوی‌ها از آزادی دینی برای برگزاری مراسم دینی در این امپراتوری برخوردار شدند، به شرط آنکه دین خود را تبلیغ نکنند، ولی پس از چندی، رفته‌رفته اوضاع آنها در چین رو به وخامت نهاد. با این حال مانویان بخت بهتری در سرزمین اویغورها داشتند. فرمانروای اویغورها در سال ۷۶۲م در لویانگ^۱ چین با مانویان آشنا شد و به این کیش گروید. مانوی‌ها متون بسیاری را به زبان اویغوری ترجمه کردند. کتیبه سه‌زبان قره‌بالغسون^۲ در ربع نخست سده نهم میلادی به سه زبان چینی، سغدی و ترکی به فرمان خاقان اویغورها کنده شد و در این کتیبه آمده که خاقان اویغورها تحت فشار نجبای اویغوری برای پذیرش مانویت بوده و سرانجام این دین را می‌پذیرد. پس از فتوحات عرب‌ها در آسیای میانه بسیاری از مانویان به ایران و میان‌رودان بازگشتند، ولی پس از آزار و اذیت عباسیان، مانویان مجدداً به آسیای میانه بازگشتند و مرکز خود را در سمرقند، قرار دادند(Gignoux and Litvinsky, 1996: 417-420; De la Vaissière, 2005:223).

در سال ۸۴۰م پادشاهی اویغورها به‌دست فرقی‌ها به پایان رسید و برخی از اویغورها به تورفان گریختند و در ۸۵۰م فرمانروایی اویغوری قوچو^۳ را تأسیس کردند و دیانت مانوی خود را تا پایان سده یازدهم حفظ کردند، ولی عناصر بودایی هم در اعتقادات آنها دیده می‌شد، از سوی دیگر، در سال ۸۴۵م، در چین دین‌های مزدیسنا و مانوی و مسیحیت نسطوری به‌طور کامل ممنوع شدند که این ممنوعیت نیز به مهاجرت برخی از مانویان به سرزمین اویغورها انجامید(Klimkeit, 2000: 70; Hansen, 2012: 181). به‌گفته ابن‌ندیم فرمانروای چین،

1. Luoyang (洛阳)
2. Qarabalghasun
3. Qocho (Gaochang=高昌)

توغوزغوز^۱ که به احتمال زیاد همان خاقان اویغورهای قوچو بوده است، به فرمانروای آسیای میانه پیام داد که اگر به مانویان آنجا آسیب برسانید، مسلمانان قلمرواش را قتل‌عام می‌کند و مسجدهای آنجا را ویران می‌کند، پس فرمانروای آسیای میانه مانویان را به حال خود نهاد و تنها از آنها جزیه گرفت. این حاکم آسیای میانه که ابن‌ندیم از او یاد کرده است، باید یک حاکم سامانی در آسیای میانه در زمان المقتدر بالله خلیفه عباسی باشد که در ابتدای سده دهم میلادی می‌زیسته است. در کلیه مراحل پذیرش و گسترش کیش مانی در میان اویغورها، سغدی‌ها نقش اصلی را ایفا کردند و اویغورها نه تنها دین خود را بلکه نوشتن و شیوه زندگی شهرنشینی را نیز از سغدیان آموختند (ابن‌ندیم، ۱۳۸۹ق: ۴۷۲؛ De la Vaissière, 2005:224, 314).

کلیسای مانوی شرقی از فارسی میانه (پهلوی ساسانی) به‌عنوان زبان اصلی و مقدس خود استفاده می‌کرد. برخی از متون مانوی نیز همچنین به زبان پهلوی اشکانی بود. سغدی‌ها آنها را به زبان سغدی برگرداندند. دیگر متون مانوی کشف‌شده به زبان‌های گوناگون در شرق آسیای میانه نیز، کار نسخه‌برداران سغدی بود. از دیگر سو، از نگاه تفکر «یگانگی میان مذاهب» سغدی‌ها که پیشتر درباره آن سخن گفته شد، ارتباط عمیقی میان کیش مانی و بودای باورمندان سغدی به این دین‌ها وجود داشت. برای نمونه صومعه‌های مانوی (مانستان)^۲ با تقلید از صومعه‌های بودایی ابتدا در آسیای میانه و سپس در بین‌النهرین ساخته شد (Gignoux and Litvinsky, 1996: 417-418). همچنین متون مانوی سغدی نیز شامل اصطلاحات و مفاهیم بسیاری بودند که از کیش بودا وام گرفته بودند. اصطلاحات بودایی همچنین در متون پهلوی اشکانی مانویان سغد وارد شدند. از مانی بارها و بارها به‌عنوان بودا (بورخان)^۳ در این متون یاد شده است. همچنین در این متون «قلمرو نور» که یکی از مفاهیم اساسی کیش بوداست، به‌صورت نیروانا یا پاری‌نیروانا^۴ (فراتر از نیروانا) بودایی آمده است. شاید به‌دلیل همین شباهت‌ها باشد که مانویان در آسیای میانه به‌سادگی با بودایی‌ها آمیختند و به تدریج هویت خود را از دست دادند (Klimkeit, 2000: 71-72, 80).

یکی دیگر از دین‌هایی که سغدی‌ها در مسیر جاده ابریشم گسترش دادند، مسیحیت نسطوری بود. بنا بر پژوهش‌های اتین دولاوسیه، مسیحیت نسطوری در سده پنجم یا ششم به سغد راه یافت (De la Vaissière, 2005:223). ابن‌ندیم در سده چهارم هجری اهالی سغد را مسیحی و ثنوی می‌خواند (ابن‌ندیم، ۱۳۹۸: ۲۶؛ نیز ببینید، بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۰۰ و ۱۹۶). اما منابع

1. Tughuzghuz
2. Mānistān
3. Burxan
4. Parinirvana

سریانی قدمت بیشتری برای گسترش مسیحیت در آسیای میانه قائل هستند و از بناسدن اسقف‌نشین در سال‌های (۴۱۵-۴۱۰م) در سمرقند خبر می‌دهند. همچنین در کاوش‌های باستان‌شناسی در پنجکنت، پیکری به دست آمده که روی آن با صلیب ساخته‌شده از برنز پوشانده شده بود که از رواج مسیحیت نسطوری در پنجکنت حکایت دارد (Litvinsky and Vorobyova-Desyatovskaya, 1996:425 Hansen, 2012: 123- 124). در صخره‌های لَدَخ، نزدیک تانکسه^۲، در کشمیر بزرگ کتیبه‌های بسیار سغدی با صلیب نسطوری به دست آمده است که در آنها نام حضرت مسیح در سغدی به‌صورت یِشو^۳ آمده است. همچنین مسیحیت در سده هفتم میلادی از طریق سغدی‌ها به خوارزم نیز راه یافت و خوارزمیان مسیحی در آنجا از زبان سغدی استفاده می‌کردند (De la Vaissière, 2005: 257-258, 309, 330; Baumer, 2008: 16).

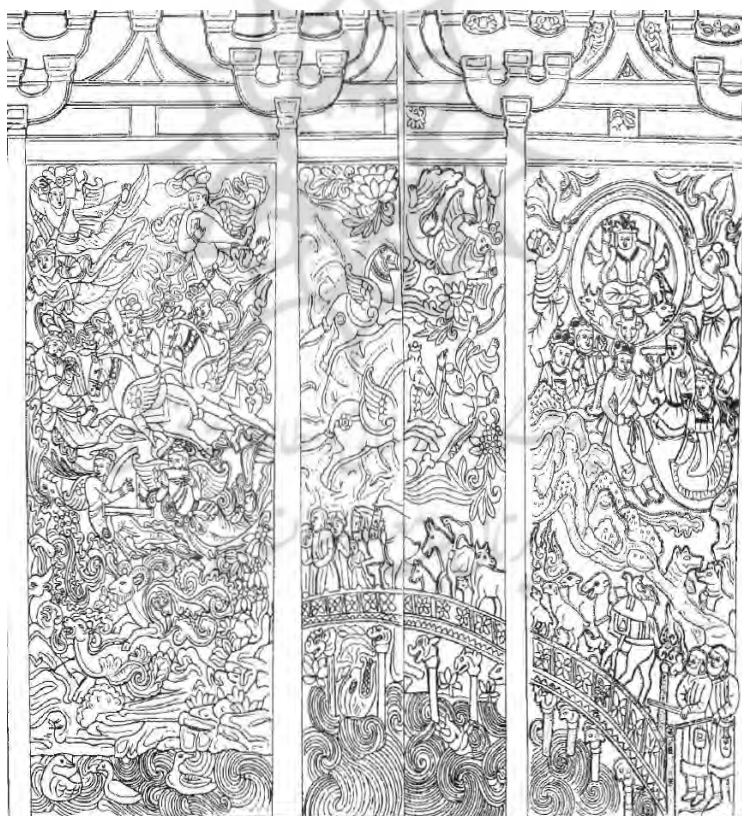
از دیگر سو، بنا بر گزارش‌های تاریخی، سمرقند پناهگاهی برای مزدکیان نیز بوده است که برای فرار از فشارهای ساسانیان به سغد و سمرقند می‌گریختند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۲۹۶/۱؛ مقایسه شود: Christensen, 1936: 201). گویا گروهی از یهودیان نیز در اوایل قرن هشتم قبل از میلاد پس از فتح پادشاهی خود از سوی آشوریان به اجبار به آسیای میانه کوچ کردند. تنها نوشته به خط عبری در مهاجرنشین‌های سغدی در چین، یک برگ دعای هجده سطر از مزامیر است که در غار شماره هفده دون‌هوانگ به دست آمده است. به‌احتمال زیاد دعای محافظتی یک بازرگان یهودی بوده است (Hansen, 2012: 181; Foltz, 2013: 27).

نتیجه‌گیری

با آنکه دین بیشتر مردمان سغد مزدیسنا بود و همچنین بیشتر بازرگانان سغدی که به خارج از سغد سفر کرده و در مهاجرنشین‌های سغدی زندگی می‌کردند، پیرو این دین بودند، سغدی‌ها دین‌های دیگر را نیز در دو سو و امتداد جاده ابریشم گسترش دادند. با این حال گسترش دین‌های دیگر به‌دست سغدی‌ها این سوءتعبیر را در میان برخی از پژوهشگران ایجاد کرده که سغدی‌ها مزدیسن نبودند. کاوش‌های باستان‌شناسی در سال‌های گذشته، به‌ویژه سه دهه اخیر پرتو جدیدی بر ابهاماتی که در این باره وجود داشته تابانده و همگی حاکی از باورمندی بیشتر سغدی‌ها چه در سرزمین سغد و چه در مهاجرنشین‌های سغدی به مزدیسنا است. نکته شگرف و درخور تأملی که درباره دین‌های رایج در سغد این بود که با وجود باورمندی بیشتر سغدی‌ها

1. Ladakh
2. Tankse
3. Yishaw

به مزدیسنا چنان‌که دیده شد، باورمندان دین‌های دیگر در قلمرو آنها که برخی از آنها سغدی بودند، با آزادی مناسب دینی خود را برگزار می‌کردند و حتی دین‌های خود را تبلیغ می‌کردند. آزادی دین‌های مختلف در قلمرو سغدی‌ها، جدا از روح جست‌وجوگر سغدی‌ها که در طلب نگرش‌های جدید به آغاز و پایان جهان بودند، از روحیه «تاجرمآبانه» آنها نیز سرچشمه گرفته بود که در این نوشته از آن با عنوان «رواداری سوداگرانه» یاد شد. همین رواداری سوداگرانه و ترویج برخی دین‌های دیگر به دست سغدی‌ها است که سبب شده تا برخی از پژوهشگران در مزدیسن بودن سغدی‌ها شک کنند. سغدی‌ها جدا از گرویدن به دین‌های گوناگون و تبلیغ آنها، کوشش می‌کردند تا بین دین‌های گوناگون هماهنگی ایجاد کنند که در نتیجه این کوشش گونه‌ای خاص از دین‌های یاد شده عرضه شده است که مهر سغدی بر جبین آنها نقش بسته بود.



تصویر ۱. سنگ‌نگاره تابوت ویرکاک

منابع و مأخذ

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۸ق) *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۸۰) *الأثار الباقیه عن القرون الخالیه*، تحقیق و تعلیق پرویز اذکایی، تهران: میراث مکتوب.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۵۸) *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: امیرکبیر.
- بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی (۱۹۸۸م) *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بلنیتسکی، الکساندر (۱۳۶۴) *خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)*، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران: گفتار.
- تَبَنَه‌هَش (۱۳۶۹) *فرنیغ دادگی (گردآورنده)*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- حدود العالم* (۱۳۶۲) به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۸۱) *ایران و ترکان در روزگار ساسانیان*، تهران: علمی و فرهنگی.
- ستوده‌نژاد، شهاب (۱۳۸۳) *بازتاب تمدن‌های اشکانی - ساسانی بر سه پادشاهی در شبه جزیره کره*، تهران: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- شهرستان‌های ایران*، در *متون پهلوی* (۱۳۷۱) جاماسب جسی دستور منوچهر جسی جاماسب آسانا (گردآورنده)، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴) *الملل و النحل*، قم: الشریف الرضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق) *تاریخ الطبری*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- فولتس، ریچارد (۱۳۸۵) *دین‌های جاده ابریشم*، ترجمه ع. پاشایی، تهران: فراروان.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۶) «سغدی‌ها و جاده ابریشم»، *ایران‌شناسی*، تهران: انجمن ایران‌شناسان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز، شماره ۵، صص ۲۸۱ - ۲۴۷.
- _____ (۱۳۹۲) «سغدی‌ها: آسیای میانه و جاده ابریشم»، در *مطالعات سغدی*، تهران: طهوری.
- Arrian (1967), *Anabasis Alexandri*, Translated by E. Iliff Robson, Massachusetts: Harvard university press.
- Back Michael (1978), *Die Sassanidischen Staatsinschriften (Acta Iranica 18)*, Leiden: Brill.
- Bartholomae Christian (1904), *Alteiranisches Wörterbuch*, Strassburg: K. J. Trübner, 1904.
- Baumer, Christoph (2008), *traces in the desert*, Translated by Colin Boone, London: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Chavannes, Édouard (1903), *documents sur les Tou-Kiue (Turcs) occidentaux*, St.Peterburg: l'Académie Impériale des Sciences.
- Christensen, Arthur (1936), *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen: Levin and Munksgaard.
- De La Vaissière, Étienne (2019), "the Faith of Wirkak the Dēnāwar, or Manichaeism as Seen from a Zoroastrian Point of View" in *Bulletin of the Asia Institute, new series/volume 29*, New York: Monimos Foundation.
- De La Vaissière, Étienne (2005), *Sogdian Traders*, Translated by James Ward, Leiden: Brill.
- Foltz, Richard (2013), "The Role of the Sogdians in the Spread of World Religions" in V. Naddaf, F. Goshtasb, M. Shokri-Foumeshi (ed), *Ranj o Ganj, Papers in Honour of Z. Zarshenas* (24-31), Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies.
- Gharib, B (1995), *Sogdian Dictionary: Sogdian -Persian-English*, Tehran: Farhang.
- Gignoux, Ph. and. Litvinsky, B. A (1996), « Religions and religious movements – I' », in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia, vol.3*, pp.403-421, Paris, Unesco.
- Grenet Frantz (2007), "Religious Diversity among Sogdian Merchants in Sixth-Century

- China: Zoroastrianism, Buddhism, Manichaeism, and Hinduism" in *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East* 27 (2), pp.463-478 .
- Grenet, F., Riboud, P and Junkai, Y (2004), "Zoroastrian Scenes on a Newly Discovered Sogdian Tomb in Xi'an, Northern China", *Studia Iranica*, 33, pp. 273-284.
- Grenet, Frantz (2002), "Zoroastrian themes on early medieval Sogdian Ossuaries" in *A Zoroastrian tapestry : art, religion & culture*, Usmanpura, India : Mapin Pub.
- Grenet, Frantz (2015), "Zoroastrianism in Central Asia" in *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*, Edited by Michael Stausberg and Yuhan Sohrab-Dinshaw Vevaina with the assistance of Anna Tessmann, West Sussex: John Wiley & Sons, Ltd.
- Hansen, Valerie (2012), *The Silk Road : a new history* , New York: Oxford University Press.
- Henning, W. B.(1965) , "A Sogdian God", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 28, No. 2, pp. 242-254.
- Klimkeit ,HJ (2000)," Manichaeism and Nestorian Christianity", in M. S. Asimov and C. E. Bosworth (ed.), *History of civilizations of Central Asia*, vol.4, pt 2, pp.69-81, Paris: Unesco.
- Kent, Roland Grubb (1989), *Old Persian: grammar, texts, lexicon*, New Haven: American Oriental Society.
- Litvinsky, B. A and Vorobyova-Desyatovskaya, M. I (1996), "Religions and religious movements – II", in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia*, vol.3 , pp 421-449, Paris: Unesco.
- Marshak, B. I and Negmatov , N. N (1996), "Sogdian", in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia*, vol.3 , pp. 233-281, Paris: Unesco.
- McLaughlin, Raoul (2016), *The Roman Empire and the Silk Routes*, South Yorkshire: pen and sword history.
- Minorsky, V (1937), *Hudud al-Alam. The regions of the world: a Persian geography*, 372 A.H. / 982 A.D., translated and explained by V. Minorsky ; with the preface by V. V. Barthold, London: Gibb Memorial Trust.
- Payne E, Richard(2018), "The Silk Road and the Iranian political economy in late antiquity: Iran, the Silk Road, and the problem of aristocratic empire" in *Bulletin of SOAS*, 81, 2, pp. 227-250.
- Rong, Xinjiang, (2013), *Eighteen Lectures on Dunhuang*, Translated by Imre Galambos, Leiden: Brill.
- Rong, Xinjiang , (2001), "New Light on Sogdian Colonies along the Silk Road: Recent Archaeological Finds in Northern China" in *Berlin-Brandenburgischen Akademie der Wissenschaften Berichte und Abhandlungenseries*, 10, pp. 147-160.
- Rong, Xinjiang, (2018), "Sogdian merchants and Sogdian culture on the Silk Road" in Nicola di Cosmo, Michael Maas (ed.), *empires and exchanges in Eurasian late antiquity Rome, China, Iran, and the Steppe, ca. 250-750*, pp.84-96, London: Cambridge University Press.
- Strabo (1961), *Geography of Strabo*, translated by Horace Leonard Jones, Massachusetts: Harvard university press.
- The great Tang dynasty records of the western regions*(1996), Translated by Li Rongxi, Moraga: BDK America, Inc.
- The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and Others* (1932), translated Ervad B. N. Dhabhar, Bombay :K.R. Cama Oriental Institute.
- Vessantara Jātaka* (1946), translated by Émile Benveniste, Paris: Mission Pelliot En Asie Centrale.
- Wriggins ,Sally Hovey(1996), *The Silk Road journey with Xuanzang*, Colorado: Westview Press.
- Xue Li, (1994), *Zhongguo sichou zhilu cidian (in Chinese)*, Urumqi: Xinjiang Renmin Chubanshe.

List of sources with English handwriting

- Balāḍorī, Aḥmad b. Yahyā, (1988), *Fotūḥ al-Boldān*, Beirut, Maktabat al-Hilāl.
- Belenitskii, Aledsandr Markovich (1364 Š.), *Ḳorāsān va Māvarā' al-nahr(Āsiyāy-e Miyaneh)*, translated by Parvīz Varjāvand, Tehran: Goftār. [In Persian]
- Bīrūnī, Abū Reyḥān Moḥammad b. Aḥmad (1380 Š.), *Ātār al-Bāqīa 'an al-Qorūn al-Kālia*, edited by Parvīz Azkā'ī, Mīrāt-e Maktūb.
- Bondaheš* (1385 Š.), Farnbaḡdādāgī, edited by Mehrdād Bahār, Tehran: Tūs. [In Persian]
- Foltz, Richard (1385 š), *Religions of the Silk Road*, translated by A. Pāšā'ī, Tehran: Farāvān. [In Persian]
- Hodūd al-Ālam min al-Mašreq el al-Maḡreb* (1369 Š.), ed. Manūčehr Sotūdeh, Tehran:Tahūrī. [In Persian]
- Ibn Nadīm, Moḥammad b. Ešhaq (1398), *Al-Fihrest*, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Qarib, Badr al-Zaman (1376 š), "Soḡdīhā va jādey-e Abrīšam", *Irān šenakt*, No. 5, pp. 247-281, Tehrān: anjoman-e Irānšenāsān-e jomhūrīy-e Īslāmī-e Irān va kešvarhāy-e mošarak al-manaf' va Qafqāz. [In Persian]
- Qarib, Badr al-Zaman (1392 š), "Soḡdīhā:Āsiyāy-e miyāneh va jādey-e Abrīšam", ", dar *motale'āt-e Soḡdī*, edited by Muḥammad Šokrī Fūmešī, pp. 17-39, Tehrān: Tahūrī.[In Persian]
- Rezā, 'ENāyatollāh (1381 Š.), *Irān va Torkān dar rūzegar-e Sāsānīyān*, Tehran: Entesārāt e elmī va farhangī. [In Persian]
- Šahrestānhāy-e Irān, dar *Motūn e Pahlavī* (1371Š.), published by jāməsb jey Manūčehr j. jāməsb Asānā, Tehran: Ketābkāneh-y-e Melī-e jomhūrīy-e Īslāmī-e Irān. [In Persian]
- Šahristānī, 'Abd al-Karīm (1364Š.), *Al-Mīlal va al-Nīḥal*, edited by Aḥmad Fahīm Moḥammad, Qom: Al-Šarīf al-Ražī.
- Sotūdehnežad, Šahāb (1383 Š.), *Bāziāb e tamaddonhāye Āskānī-Sāsāni bar seh pādšāhī dar šebheh jazīreyeh Kore*, Tehran: Markaze beyn al-melalī-e Goftegūye tamaddonhā. [In Persian]
- Ṭabarī, Moḥammad b. jarīr, (1387), *Tārīḳ al-Umam va al-Molūk*, Taḥqīq-e Abū al-Faẓl Ebrāhīm, Beirut, Dār al-Torāṭ.

References in English, French, German and Chinese

- Arrian(1967) , *Anabasis Alexandri*, Translated by E. Iliff Robson, Massachusetts: Harvard university press.
- Back Michael (1978), *Die Sassanidischen Staatsinschriften (Acta Iranica 18)*, Leiden: Brill.
- Bartholomae Christian (1904), *Alteiranisches Wörterbuch*, Strassburg: K. J. Trübner, 1904.
- Baumer, Christoph (2008), *traces in the desert*, Translated by Colin Boone, London: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Chavannes, Édouard (1903), *documents sur les Tou-Kiue (Turcs) occidentaux*, St.Peterburg: l'Académie Impériale des Sciences.
- Christensen, Arthur (1936), *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen: Levin and Munksgaard.
- De La Vaissière , Étienne (2019), "the Faith of Wirkak the Dēnāwar, or Manichaeism as Seen from a Zoroastrian Point of View" in *Bulletin of the Asia Institute, new series/volume 29*, New York: Monimos Foundation.
- De La Vaissière , Étienne (2005), *Sogdian Traders*, Translated by James Ward, Leiden: Brill.
- Foltz, Richard (2013), "The Role of the Sogdians in the Spread of World Religions" in V. Naddaf, F. Goshtasb, M. Shokri-Foumeshi (ed), *Ranj o Ganj, Papers in Honour of Z. Zarshenas* (24-31), Tehran: Institute for Humanities & Cultural Studies.
- Gharib ,B (1995), *Sogdian Dictionary: Sogdian -Persian-English*, Tehran: Farhang.
- Gignoux, Ph. and Litvinsky, B. A (1996), " Religions and religious movements – I" ", in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia, vol.3* ,pp.403-421, Paris, Unesco.
- Grenet Frantz (2007), "Religious Diversity among Sogdian Merchants in Sixth-Century China: Zoroastrianism, Buddhism, Manichaeism, and Hinduism" in *Comparative Studies*

- of South Asia, Africa and the Middle East* 27 (2), pp.463–478.
- Grenet, F., Riboud, P and Junkai, Y (2004), "Zoroastrian Scenes on a Newly Discovered Sogdian Tomb in Xi'an, Northern China", *Studia Iranica*, 33, pp. 273-284.
- Grenet, Frantz (2002), "Zoroastrian themes on early medieval Sogdian Ossuaries" in *A Zoroastrian tapestry : art, religion & culture*, Usmanpura, India : Mapin Pub.
- Grenet, Frantz (2015), "Zoroastrianism in Central Asia" in *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism*, Edited by Michael Stausberg and Yuhan Sohrab-Dinshaw Vevaina with the assistance of Anna Tessmann, West Sussex: John Wiley & Sons, Ltd.
- Hansen, Valerie (2012), *The Silk Road : a new history*, New York: Oxford University Press.
- Henning, W. B. (1965), "A Sogdian God", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 28, No. 2, pp. 242-254.
- Klimkeit, H.J (2000), "Manichaeism and Nestorian Christianity", in M. S. Asimov and C. E. Bosworth (ed.), *History of civilizations of Central Asia*, vol.4, pt 2, pp.69-81, Paris: Unesco.
- Kent, Roland Grubb (1989), *Old Persian: grammar, texts, lexicon*, New Haven: American Oriental Society.
- Litvinsky, B. A and Vorobyova-Desyatovskaya, M. I (1996), "Religions and religious movements – II", in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia*, vol.3, pp 421-449, Paris: Unesco.
- Marshak, B. I and Negmatov, N. N (1996), "Sogdian", in B. A. Litvinsky (ed), *History of civilizations of Central Asia*, vol.3, pp. 233-281, Paris: Unesco.
- McLaughlin, Raoul (2016), *The Roman Empire and the Silk Routes*, South Yorkshire: pen and sword history.
- Minorsky, V (1937), *Hudud al-Alam. The regions of the world: a Persian geography*, 372 A.H. / 982 A.D., translated and explained by V. Minorsky ; with the preface by V. V. Barthold, London: Gibb Memorial Trust.
- Payne E, Richard (2018), "The Silk Road and the Iranian political economy in late antiquity: Iran, the Silk Road, and the problem of aristocratic empire" in *Bulletin of SOAS*, 81, 2, pp. 227-250.
- Rong, Xinjiang, (2013), *Eighteen Lectures on Dunhuang*, Translated by Imre Galambos, Leiden: Brill.
- Rong, Xinjiang, (2001), "New Light on Sogdian Colonies along the Silk Road: Recent Archaeological Finds in Northern China" in *Berlin-Brandenburgischen Akademie der Wissenschaften Berichte und Abhandlungenseries*, 10, pp. 147-160.
- Rong, Xinjiang, (2018), "Sogdian merchants and Sogdian culture on the Silk Road" in Nicola di Cosmo, Michael Maas (ed.), *empires and exchanges in Eurasian late antiquity Rome, China, Iran, and the Steppe*, ca. 250–750, pp.84-96, London: Cambridge University Press.
- Strabo (1961), *Geography of Strabo*, translated by Horace Leonard Jones, Massachusetts: Harvard university press.
- The great Tang dynasty records of the western regions* (1996), Translated by Li Rongxi, Moraga: BDK America, Inc.
- The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and Others* (1932), translated Ervad B. N. Dhabhar, Bombay: K.R. Cama Oriental Institute.
- Vessantara Jātaka* (1946), translated by Émile Benveniste, Paris: Mission Pelliot En Asie Centrale.
- Wriggins, Sally Hovey (1996), *The Silk Road journey with Xuanzang*, Colorado: Westview Press.
- Xue Li, (1994), *Zhongguo sichou zhilu cidian (in Chinese)*, Urumqi: Xinjiang Renmin Chubanshe.



Commercial Tolerance; The Analysis of the Effect of the Sogdians' Morale in trade on the Propagation of Various Religions in Transoxiana and China¹

Ali Alibabae Dermeni²

Received: 2021/08/13
Accepted: 2022/02/03

Abstract

With the burgeoning of the Silk Road from the first century AD, the Sogdians whose land, in Transoxiana, was located along this trade road, became traders, and traveled to other lands for business. Through trading with other peoples, Sogdians who had previously embraced Zoroastrianism became acquainted with various religions and beliefs, such as Manichaeism, Buddhism, Mazdakism, and Nestorian Christianity, and some of them converted to those religions and started to propagate them. On the other side, not only did Sogdians encounter various religions in their homeland and tried to understand the principles of their religions, but also their commercial and political preferences brought about the advertisement and promotion of those other religions freely and without any conflict in their territory. This phenomenon can be called "Commercial Tolerance".

In this article, the various aspects of this commercial tolerance were analyzed by using some ancient sources, new studies, and archeological excavations. This phenomenon has never been seen in any other historical periods or any other lands unless in the contemporary era, where different nations with different religions have lived together. This phenomenon has brought about new consequences such as "the creation of unity between religions" in Sogdiana between the sixth and eighth centuries A.D. Based on this thought, the Sogdians tried to build compatibility between the various religions that were prevalent in their territory or between their colonies.

Keywords: Buddhism, Manichaeism, Sogdiana, Transoxiana, Zoroastrianism.

1. DOI:10.22051/hii.2022.37083.2504

2. Assistant Professor of Islamic Encyclopedia Foundation, Tehran, Iran: ababae@ut.ac.ir
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493